

۱۰۹۴۶ - خ

۱۰۵۳۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

کتاب رساله علمی (نماز)

مؤلف حجة الاسلام آیت الله العظمی (ع) حاج میرزا محمد باقر بن محمد

مترجم

شماره قفسه ۱۴۲۲۰

۸۷۳۸۵

بازدید شد
۱۳۸۵

۱۰۵۳۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

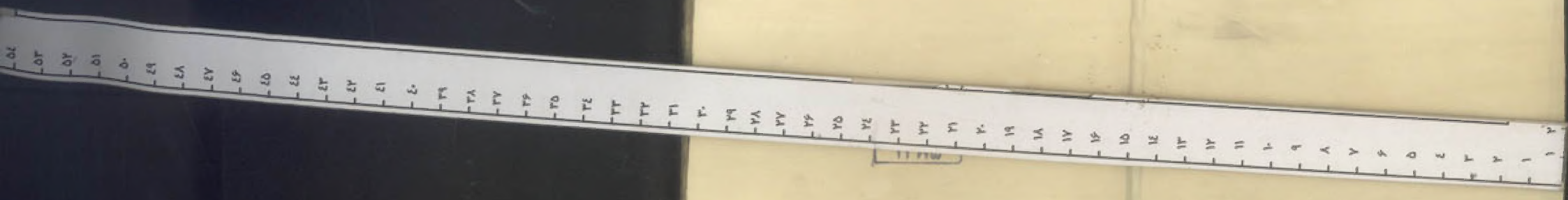
کتاب: رساله علمیه (منازل)

مؤلف: شیخ الاسلام رشتی (درعاج کتبه و باقر بن محمد)

مترجم:

شماره قفسه: ۱۴۲۲۰

۸۷۳۸۵



1842.
1840

رسالة علي بن محمد السلام

جامع سید محمد باقر ثقفی رشتی

مع التمام مسجد روبرو مسجد

معروف و نزار ایچده مده مده مده

واقعہ ہے۔ ہمارے کام، مہم ہے۔

(نور خجسته السیف)

۱۰۰

من واما في غلبه
الموصو

مذکورہ شدہ

اولا منہم

[illegible]

لیکن شبهه در ضعف این قول نیست مثل قول راوندی که قائل
 باشد هرگاه که گوید انکم علیکم ایضا یعنی در خطبه نه در این صورت انکم
 ایضا نیست **فخرج** از آنرا **مستوفی** فاعل **نظام** الهم علیکم درجه اند و در
 میشود در آنکه **فخرج** از جمله **مستوفی** و **مستوفی** و **مستوفی** و **مستوفی** و **مستوفی**
 مستوفی که **فخرج** از آنرا **مستوفی** مستوفی از دو قول **ضعیف** است لهذا اجتماع
 مستوفی بر آنکه هر دو مصححیت در خروج از آنرا ندارند این معنی که واجب
 معنی بر مکلف که ایشان که دو ضعیف نموده پس ضعیف نیست بلکه الکفا
 یکی از این دو ضعیف را معنی نمود لکن خلاف در آن است که ایما الهم علیکم ضعیف است
 و لیکن ابیسی که آنرا اختیار الهم علیما جایز نیست یا الهم علیما ضعیف است
 پس عدول از آن جایز نیست اول ظاهر شود از خروج مستوفی در آنجا
 دوم ظاهر شود از این که مستوفی در خارج آنجا بر آن است که هر یک از این دو ضعیف نموده
 پس علیک ضعیف نیست در اختیار هر یک از دو ضعیف که بوده پس هرگاه
 اختیار نمود ضعیف الهم علیما و علیما و الا لیکن را این ایشان تخصیص تسلیم
 در خروج از آنجا که هرگاه اختیار نمود ضعیف الهم علیکم را ضعیف خواهد بود
 و در صورت اختیار الهم علیما خروج از آنرا منتفی شود و بدین شکل ایشان
 ضعیف الهم علیکم **نقص** بندگان ضعیف است و اما هرگاه اختیار نمود
 الهم علیکم را در حکم انتخاب ایشان ضعیف الهم علیما بندگان اشکال است
 نظر باینکه ضعیف نیستند لکن نظر بضعف و تقوی آن از ضعیف الهم علیکم
 پس در ترتیب **نقص** بهم در بیان کیفیت دو ضعیف که مذکور است
 میگویم اما ضعیف اول ظاهر آن است که واجب نموده پس ایشان
 الهم علیما و علیما و الا لیکن پس هرگاه اخلاص کنند بعضی از
 آنرا که بعضی عودان مثلا فصول ایشان است پس آنجا
 هرگاه بندگان یا بعضی عودان و اگر چه بعضی بوده پس که مقتضی

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠

و از نقل طایفه مشهور راجع
و چون بخشد و بفرستد
و صاحب دکان و مخزن بصد
و غیر هم
و مختار اعیان
الحاق حکم
در بیان کیفیت
صحت از دو صیغه
مذکور است
کلام

معنی سیدک منتهی بعد از شد مثل آنکه تبدیل لفظ محلا را نماید بضمیر راجع
 به آن محلا و چون با آنکه تبدیل معانی را نماید بضمیر این نحو آنکه علیها
 و علی عباد و المتقین و تلوین و محلا را که تبدیل شکم را به شکم
 و صوم مثل آنکه بگوید اللهم علی و علی عباد الله الصالحین اگر چه صوم
 باشد محلا و در این صیغه خصوص الفاظ مذکوره بهینه مذکوره و در این
 صیغه الم علیکم پس شفا دار کلمات فقها آنست که اختلاف کرده اند و آن
 است قول اولی حوازی اعتبار است بلفظ اللهم علیکم آن قولی که در غیر و نیز و دیگر
 و نیز و دیگر و نیز شریف در کتاب بیان آن قول است که نسبت به هر کفیه داده و قولی که نسبت
 را به اسم علیکم در حدیثی از قول با جود حق و تقوی نسبت داده و ادب و الصلوات
 تمام آن را در مجموع در کتابی که ذکر شده که در غیر است که این نیست بلکه عطف
 سیم با النظام و بر کانه است پس واجب اللهم علیکم و حدیثی در کتاب آن قول که در
 از تحقق در راجع و غرض از این است شریف در کتاب بیان راجع را اعتبار نموده و شفا
 قول اولی است لکن اعتقاد بر این است که محلا در این است که اتفاقا بصیغه الم
 علیکم بدان شود و النظام در وجه توجه و بر کانه او است و قولی که در غیر و نیز و دیگر
 تقیه و احوط است لکن لازم نیست اما راجع بهینه مذکوره ظاهر است که در این
 بوده که عباد برگاه و عیسی را مقدم دارد و با استقامت و الامان نماید و در
 سلام میگوید که او اجد بود و فلا و در این ظاهر نیست بلکه در صورت انتظام
 الف و لام که در مجموع تحقق و علامه قابل گواران شده اند و معنی صحاح و در بیان
 معنی صحاح و در بیان معنی صحاح و در بیان معنی صحاح و در بیان معنی صحاح
 سلام نیست آنجا که بعد از آن شروع بهینه و آنجا که بعد از آن شروع بهینه و آنجا که بعد از آن شروع بهینه
 بیشتر بر این است که این صیغه الم غرض از آنست که با خبر راجع اگر اولی است صافیه
 است و در حدیثی که در این صیغه مذکور در حدیثی که در این صیغه مذکور در حدیثی که در این صیغه مذکور
 کلام نیست بعد از آنکه مذکور در حدیثی که در این صیغه مذکور در حدیثی که در این صیغه مذکور

مجلس ششم
در بیان عدم لزوم
تجارت

از ان نیا

بسم الله الرحمن الرحيم

اوله اقتضای رب العالمین علیکم السلام وعلیٰ آله وعلیٰ اهل بیت علیهم السلام
سید مرتضی و در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که
اخذت ازکم بوجوب رب العالمین علیکم السلام وعلیٰ آله وعلیٰ اهل بیت علیهم السلام
یعنی بعد از خود و موضع را میفرماید که گفته شود در ادعای امام
فرموده اند که اگر از این که در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که
مستحب است که صورت ایشان بصیغه الهم علیه السلام باشد و بعد از آن
بیاورد آن هرگاه اقتضای رب العالمین علیکم السلام وعلیٰ آله وعلیٰ اهل بیت علیهم السلام
خواهد بود پس احوال این است که بخواند و بعد از آن سید مرتضی فرمود
که کلام آن را یعنی بصیغه الهم علیه السلام و عدم خواندن خود را از آن اگر چه در صورت
ایشان بصیغه الهم علیه السلام بوده است اما بعد از آن که این است از جهت
الاضافه بکلام مخفی و معنی و صواب و خلاف خوب است اما نسبت
جامع جنبی نیست و عبارت آن را هم در این مقام آن است و التمس الواجب الی
این که در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که
در هر صورت واجب و فرج در این صیغه فعلی است که نسبت میگوید که گفته شود این
مطلب در عبارت جامع اگر چه هم در این صیغه و معنی و صواب و خلاف
مستحب است کلام کلام ما عزیز است و کلام اولی است که در حق خود میگوید که
کلام آن امام مذکور که کلامی است در این که فرموده است از آن و واجب است که
الهم علیه السلام و در صورت التزام با الهم علیه السلام بوده است یا صورت التزام
از آن و اما کلام معنی و صواب و خلاف در حکم بایست که الهم علیه السلام
ممکن است که گفته شود در صورت التزام با الهم علیه السلام نه مطلقا پس
در صورت اقتضای رب العالمین علیکم السلام وعلیٰ آله وعلیٰ اهل بیت علیهم السلام
صورت اقتضای رب العالمین علیکم السلام وعلیٰ آله وعلیٰ اهل بیت علیهم السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

پس اقتضای رب العالمین علیکم السلام وعلیٰ آله وعلیٰ اهل بیت علیهم السلام
اقتضای رب العالمین علیکم السلام وعلیٰ آله وعلیٰ اهل بیت علیهم السلام
تجدید که میگوید که در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که
در حالتی که میگوید که در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که
مقام اول و در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که
خلاف است بین فقها که در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که
استقبال است و پس میگوید که این است که این است که این است که
دوم مثل اول است که این است که این است که این است که
و این در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که
ممکن است که این است که این است که این است که این است که
تجدید که میگوید که در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که
قلت الهم علیه السلام و واجب است که این است که این است که این است که
قولیم ان ربکم سلام میفرماید که در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که
میگوید که این است که این است که این است که این است که
استقبال است پس این است که این است که این است که این است که
تجدید که میگوید که در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که
این است که این است که این است که این است که این است که
تجدید که میگوید که در حق خود میگوید که در حق خود میگوید که
مطلب است که این است که این است که این است که این است که
در این است که این است که این است که این است که این است که

فيلسوف

11

Handwritten text in Arabic script, likely a list or index, with some words underlined. The text is written diagonally across the page.

[illegible]

یستم

کتاب

ثبت علی

لغت عرب

فصل

مجلس

(25.)

در رکعت و امده

[illegible]

سید صاحب

۱۷۸

سلام صم
کو در حان کبیر

وہی ہے جو کہ
وہی ہے جو کہ
وہی ہے جو کہ

مفتی و امام مقتضی از راه
کلام از روی خود بطقفه
اول در میان قضیه
از هیچ یک با علم هم
اختیار

وطلبت فی در
کیفیت آن و معنی آن

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

مردم و کسب و کار

و امیر محمد (ع) انصاری و کوفی

خواه فاضل و ادب
بدر و ادب

فصل اول در بیان احوال و سیرت حضرت علی علیه السلام

اولاً انما في هذا الكتاب

2

و موردی نیست

۹۱۰

و اما

۴ و لفظ

وادی بونام

بعد از آنکه فاضل و غلامان
در میان خود گفتند که

جہانگیر نے سب سے زیادہ شکر ادا کیا

و از رسوم شیخ الطائفة کاتب
نیز خط از خود و مولف این کتاب
تقدیم خطی اصل
و از قوام الزمطی مصحح
و از قوام الزمطی مصحح

(2)

[illegible]

وہاں تک کہ ان کے پاس نہ رہے

این مکتب را

منار در این مقام شریف
بر وجهی

7

در ان کتاب

[illegible]

دکتر محمد علی

ومن الصلوات
المستحبة

30/11/19

[Faint handwritten notes at the bottom of the page, likely bleed-through from the reverse side.]

[Faint handwritten notes in Arabic script, likely bleed-through from the reverse side.]

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْرًا شَيْءٌ مِّنْ ذَلِكَ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْرًا شَيْءٌ مِّنْ ذَلِكَ

و ما له و ولدی و اهل و داری و کل ما هو منی بانه اکثر منی اگر لفظ الا و ما
مذکور ظهور توأم از منیست که را در این نحو صوحه بند که باین فی تلاوت نماید
پس فاعده لفظ الا و ما که منیست که اینها رفع توأم از او است و احوال
را در این است که باین کو تلاوت است آخر بعضی ما له و ولدی و اهل و داری و کل ما
هو منی بانه لا ادر الا هو الحق القیوم لا نافذه سنه و لا فوم الا احوال و جملا
فاوده لفظ الا و ما ضایع میگردان خورده بند که در وجه اعتبار مذکور
منیست که این قیود بند که در این مقام مذکورند اگر چه ادعای ظهور و احاطه
نماند منیم ادعای ظهور اول منی نیست و اقامه الاضلال بطلان الاستدلال است
اعتبار اعتبار مذکوره در حکم با مقادیر اکثر الاضلال و منی نیست علی هر که
در این مقام نیست کلمات مذکوره از اصول علمای مذکوره است پس بقولم انفس
این است که کلام شیخ الطائفة مؤدیه لیا و قوله و ال بران نیست که از اصول معتقد
این خورده بند که اکثر معتقد خورده بند تا خال دون چنانکه در وجه استدلال مذکور
اول الذکر شد و همچنین کلام سیدنا سیدان طایوس و اما در این کلمات ما له و
بران محلیست نهی نیست و ضایع را میسر بران است که گفته شود کلام اوصاف علامه
و منی تا قوله کل را ضایع است که بعضی از خورده (اندکایه اکثر در زمان بروز
عبد غفور تلاوت نمایند تا تمام فها خال دون با ال که جدیدیست که ضعیف
این شیوه است متضمن است لفظ ایه اکثر منی انفسه از اعاظم علمای مذکور
کجاست ای است که ایه اکثر در بعضی منیست با اعتقاد آن معتقد تا خورده
افضا است که آن و هر یک متین نفس میگوینم میانه منی است که انفس
باین است خورده بند که مذکور شد منیست تحت شدت اعتقاد توأم
شیخ خورده بند ما منی نظر ما منی صلوة مذکوره از صلوات مذکور شد
ما طایبان علی موت حق در انور مذکوره ثابت است و چون که متفق
بعضی از کلام اوصاف شیخ این است که ایه اکثر و صلوة نور عبید غفور معتقد است
علامه است

تا اتم فيها فالقول بعد هذا الحمد روم علامه وعلی بن حکم غفر
وغيره حکم فرموده اند تا بنی مقلد نظر است در امور بحسب نفسی
از علی بن مقلد است بدان ای ماه بوده باشد که مذکور شد نه تحت اشجار
مانند او اصل این که تا محمل مذکور پس حکم بر این که اصل علی مذکور
این فرمود که مقلد این که مستند است فالقول ممکن خواهد بود و مقلد
کلام روم علامه در نهانیه الا حکام و مذکور قال نهانیه الا حکام
یعنی بوم الرابع والعشرون من شهر المحرم وهو يوم الصدقة بالتمام قبل الزوال
من نصف ساعة ركعتين يقرأ في كل ركعة الحمد مرة وكل واحدة من الاصل
واية الكر والرجع فيها فالقول والقدر عشر مرات قال الشيخ وهذه الصدقة
يعني رومانه بوم القدر وهو مقلد ان ابن الكر في صلوة القدر في خالون
وغيره و فظلام ان روم است ان روم معتقد ان مقلد روم و مقلد
کلام خود که کلامی و غیره است کلام نهانیه کلام ان روم و مذکور
قال بعد ان کلام است الطائفة وهو مقلد ان ابن الكر الى قوله ام فيها خالون در نهانیه
ان حکام علامه کلام است و ابن الطائفة تحت صلوة القدر و رومانه سان سدس
و در مذکور مقلد حکم که مقلد است ابن محمد که در سان و صان سان سدس
فصل مقلد مذکور در روم علامه و غیره در حکم بر این که ای بر کواران معتقد
این فرمود که ابن الكر مستند است فالقول صبیح خواهد بود کلام است ای صبیح
که نمیکند در نهانیه بوم استلال در این است که صلوة روم و غیره
لروانیه ظاهر است در این است محمد علی بن مقلد که در صلوة معتقد
روم و غیره مقلد است که مذکور شد و اما کلامی که معتقد است بان بوده باشد مثل
کلام روم نهانیه و کلام تا آمدت جاسا پس مستند است و کلام که معتقد
حال نظر نیست که مقلد خود که مثل معتقد صلوة تا نزد معتقد
در نهانیه است اگر کواران است حال ان کواران که مذکور شد و اگر کواران

[illegible]

از نوشتن و خط
نگارند و از کجاست
در این صورت است
از نوشتن و خط

29

ماوراء محوینہ

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

وقلت لهم

کوفته مرغی

10

22

[Faint handwritten notes in Burmese script]

[illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, mentioning names and dates.

فرموده
موجوده
السلامه

100

[illegible]

دوران غصیب کے دوران

عبدالله بن محمد

این مدارا و تجارت
خلافه است و نباید
راورد و شود و کفایت
نموده اند و خداوند عالم
بیشتر از هر مبدءی است

بیان تحقیق فی نفس

الحمد لله

10

17

المكتبة الاممية العامة في القاهرة
صلى الله عليه وسلم

مجلس اول

[illegible]

مضمون

الحمد لله

و هو ظالم و جابر و متوهم با توکم الصغیر ان کلمه لطیفه که خود بخود مکتوب در هر
 مقصود با عظمای اعظم الهی انرا کسی که منت او را نداشت و موجودات صغیر در یک
 با مبتدیان انهم قبول استحقاقها انرا کسی که ابتدا فرستاده است و در وقت قبول
 بقا طبعه و قبول انرا که علی انرا صادر شود و در وقت انکه عمل حق ان وقت شود استقامت
 انرا نشود خلقی نه سوال حکم الهی که از تو که در وقت خلقی سزا خدایان من و لا اله الا
 تو انرا حق را و انرا که ترا بعد از انکه تو انرا بستم در غضب یا ان غضب
 منعی بنار غضب عا که از جمله نقیضات منقضیه بنار غضب در وقت انقضای
 احادیث در فضیلت انرا که در بعضی احادیث جنفی دارد که در وقت
 از شبهه انتفا بر وجهی می شود که بنار غضب که از او مفعول شود
 جامع الاضمار و صلی الله علیه و آله و سلم انرا که منعم و منعم
 نما بر عبادت انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 انرا که از روزی معقول و محاسبی عدلی و انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 حوضه و حق عدل که در هر کس منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 از هر منعم و منعم در هر منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 عفو از انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 بعد از انقضای انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 منقضیه بنار غضب در وقت انقضای انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 و در انجا منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 عیب و از هر منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 الا انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 منعم و منعم و منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 و در انجا منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 و در انجا منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم

در بیان فضیلت حق تعالی
 بنار غضب

و در وقت انقضای انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 عدلی که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 کسی منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 مفعول انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 و در انجا منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 عیسی که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم انرا که منعم و منعم
 سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
 بالحق و لا اله الا الله سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
 الحمد لله و لا اله الا الله سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
 لله العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب
 العالمین سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم سبحان الله و لا حول و لا قوة
 و الحمد لله رب العالمین سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم سبحان الله و لا حول و لا قوة
 سبحان الله رب العالمین سبحان الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم سبحان الله و لا حول و لا قوة
 قد و من رب الملائکة و الروح الامی ان ذلنی امی سخیخا
 بغیاک و ذلنی امی سخیخا بغیاک و ذلنی امی سخیخا
 صل علی محمد و آل محمد و اعطانی و ابراهیم انک حیدر حیدر
 اللهم ثم نورک فهدیت فلک الحیدر و عظم خلک
 فعدت فلک الحیدر و ضهرک ربنا اکرم الوضوء و ما
 اکرم اعظم الجاه و عطیتک افضل العطاء و تطاع ربنا

در بیان فضیلت حق تعالی
 بنار غضب

در بیان فضیلت حق تعالی
 بنار غضب

در بیان منافع و مضایق
فصل در بیان منافع و مضایق

۱۱۸ مورخه در حال شهادت
بجز و اندک قبل از آنکه مرده

13

بی بی سیدہ امینہ بنت ابی طالب

ضم کلام با و عینه مذکوره غور اگر کردند همه اینها مذکور شد تلاوت نما
 بعد از ختم اگر توفیق قریب نماید بعضی اوقات تلاوت بعضی نماید و در
 وقت نماز تلاوت بعضی دیگر



این کتاب تفرغ
 در حیدرآباد
 کتابخانه
 از

٥٣
١٢٣٤٥٦